

اشیاء جادویی در فرهنگ عامه‌ی ایران و تأثیر آن در نقاشی مکتب سقاخانه*

رضا علی پورسعدانی**

مرجان شیخزاده***

Fetishism in Iran's Folklore and its Effect on Saqakhaneh Style Painting

Reza Alipoursaadani*
Marjan Sheikhzadeh**

Abstract

A huge rock cut panel like that with Iran's folklore is emanated from traditions, customs, and beliefs which have a heritage as long as history. Among numerous elements of the public culture, fetish has a broad attendance in general public's life. These elements consist of stones, plants, animals, talismans, and devotions which have extraordinary magical power; and have become significant as functional and effectual objects in people's life affairs.

This study intends to record these objects, and reveal the effect of these beliefs on the art of Iran, especially on the paintings of Saqakhaneh style, by giving pickings of them, with the aim of investigating Iran's folklore, and introducing them as a pure and untainted culture with an emphasis on the fetish feature. The hypotheses of this study are based on the fact that magical objects, talismans, and devotions, as a belief, have formed part of the public's life so far, and could be effectual in artists' paintings as cultural elements of their time, for generating symbolic and meaningful works.

Key words

Folklore. fetish. bead. spell. Saqakhaneh style painting

چکیده

فرهنگ عامیانه ایران برخاسته از سنت‌ها، آداب و رسوم، باورها و اعتقاداتی است که میراثی به وسعت تاریخ دارد. در میان عناصر متعدد فرهنگ عامیانه، شیء‌باوری (فتیش) حضور گسترده‌ای در زندگی عوام داشته است. این عنصر شامل سنگ‌ها، گیاهان، حیوانات، طلسم‌ها و ادعیه‌ای است که از قدرت جادویی خارق‌العاده‌ای برخوردارند و به عنوان شیئی کاربردی و ثمربخش در زندگی روزمره مردم اهمیت پیدا کرده‌اند.

این پژوهش در نظر دارد با ارائه‌ی منتخبی از این اشیاء، به بررسی فرهنگ عامیانه ایران با تأکید بر خصیصه‌ی شیء‌باوری و معرفی آن‌ها به عنوان فرهنگی ناب و دست‌نخورده، به ثبت و ضبط آن‌ها بپردازد و تأثیر این باورها را در هنر ایران به‌ویژه نقاشی مکتب سقاخانه آشکار نماید. فرضیه پژوهش بر این استوار است که عناصر جادویی، طلسم‌ها و ادعیه از دیرباز تاکنون به عنوان بخشی باور از زندگی عامه مردم را به خود اختصاص داده و توانسته‌اند در آثار هنرمندان نقاشی سقاخانه‌ای ایران به عنوان عنصر فرهنگی زمان خود برای خلق آثار نمادین و معناگرا ثمربخش باشند.

واژگان کلیدی

فرهنگ عامه، فتیش، مهره، طلسم، نقاشی مکتب سقاخانه.

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "عناصر جادویی در فرهنگ عامیانه خوزستان" توسط نویسندگان با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان تهیه شده‌است.

alipourart@yahoo.com

** مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان

*** مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان

Scientific grade: Instructor/ Faculty member of Abadan Islamic Azad University.Iran.Abadan.

Scientific grade: Instructor/ Faculty member of Abadan Islamic Azad University.Iran.Abadan.

مقدمه

فرهنگ به طور عام، یکی از گسترده‌ترین، پرسابقه‌ترین و در عین حال از پیچیده‌ترین مقولات تاریخ زندگی بشری است. "سرادارد برنت تایلور^۱ در ۱۸۷۱ میلادی فرهنگ را "کلیت درهم بافته‌ای متشکل از دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونه توانایی و عادت که آدمی چون عنصری از جامعه به دست می‌آورد تعریف کرده است"^۲ [نوذریور و موسوی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۸].

فرهنگ حاصل برخورد انسان با طبیعت است و اندیشه اجتماعی نیز نتیجه این برخورد تکوین یافته است. بررسی و شناخت فرهنگ‌هایی که آداب و رسوم و سنت‌های آنان به واسطه افسانه‌ها، ترانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و سایر عوامل فرهنگ عامیانه و فولکلور^۳ (Folklore)، سینه به سینه و شفاهی به نسل‌های بعدی می‌رسد، کاری بس دشوار است. فرهنگ عامه از منابع با ارزش و بکری است که انسان را با روح حیات و فلسفه زندگی آشنا می‌سازد. او را به سرزمین‌های نامکشوف برده، هر لحظه غبار از چهره واقعیت پنهان می‌زداید.

در بررسی فرهنگ عوام، دانش‌های عامیانه و هنرهای عامیانه را پیش رو داریم. پژوهشگران و محققان این فرهنگ، به جنبه‌های هنری این فرهنگ بیش از دانش‌های آن توجه کرده‌اند، زیرا جنبه‌های هنری در آن فرهنگ، برای شناخت مردم و پی بردن به وضع روحی، اجتماعی و سوابق زندگی بشر مفیدتر و ارزشمندتر بوده است.

یکی از عنصرهای فرهنگی که به دلایلی محققان با کم‌توجهی از کنار آن گذشته‌اند، اشیاء جادویی و بت‌واره‌هایی به نام فیتیش (Fetish) است. این عنصر، ما را با بسیاری از اندیشه‌ها و باورهای کشف نشده که در لایه‌های زیرین حیات آنان جاری و ساری است آشنا می‌سازد.

به احتمال این باورها و اعتقادات بومی، ریشه در گذشته‌های دور دارد و حتی برخی از آن‌ها بازمانده دوران نخستین زندگی بشر است. از زمان کوچ آریایی‌ها به فلات ایران، برخی اعتقادات شیوع بیش‌تری پیدا کرده، زیرا در آن زمان برای گیاهان روح و زندگی قابل بودند و گمان می‌کردند زبان آدمیزاد را می‌فهمند. صادق هدایت در نیرنگستان اشاره دارد که "اعتقاد به هوش و ذکاوت برای گیاهان به پیش از ظهور زرتشت برمی‌گردد و حرف زدن با جانوران، اعتقاد به سنگ‌ها، درخت‌ها و چیزها و غیره... مظهر حلول ارواح‌اند"^۴ [هدایت، ۱۳۸۳: ۲۴].

فرهنگ عوام در آفرینش بسیاری از آثار هنری، الهام‌بخش هنرمندان بوده و شاهکارهایی در نقاشی، مجسمه‌سازی، شعر و موسیقی با الهام پذیرفتن از آثار محلی و فولکلور در این سرزمین پدید آمده و جاودان گشته‌اند.

در بررسی پیشینه این پژوهش، متأسفانه این موضوع از نظر بسیاری از نویسندگان و محققان پنهان مانده و یا اندک محققانی به آن پرداخته‌اند. به احتمال، گستردگی و وسعت فرهنگ عامیانه ایران از دلایل بارز عدم پرداخت و کم‌توجهی به آن می‌باشد. این نوشتار در نظر دارد به اساسی‌ترین عامل اشاعه فرهنگ و باورهای خرافی اشاره کند و از طریق شناخت و بررسی باورهای مردم نسبت به برخی مسایل خرافی، به ثبت و ضبط این باورها به عنوان فرهنگی ناب و دست‌نخورده بپردازد. اهدافی که این پژوهش به دنبال دارد علاوه بر ثبت باورهای خرافی و عناصر جادویی، به حضور این باورها و عناصر در هنر ایران به عنوان عنصری نمادین و معناگرا، به‌ویژه در شکل‌گیری نقاشی مکتب سقاخانه اشاره می‌کند.

مفهوم فیتیش و فیتیشیسم

فیتیش از واژه پرتغالی Feitico (افسون و جادو) و ریشه لاتین Facticus (بت مصنوع) اخذ شده است. فیتیش در اصطلاح به شیء، حیوان، بت مصنوع یا طبیعی اطلاق می‌گردد که واجد رموز و موجب برانگیختن احترام است (شیء یا حیوانی که به مرحله تقدس و احترام برسد).

"نخستین بار اصطلاح فیتیش توسط سیاحان پرتغالی از سیاهان آفریقا اخذ شد ... فیتیش نقش بارزی در سازش کنش‌ها و واکنش‌های اعضای جامعه با یکدیگر و با محیط طبیعی داشت و در پیش‌داوری و پیش‌گویی اعضاء قوم و قبیله تنها مرجع مطمئن تلقی

می‌گردید" [آراسته‌خو، ۱۳۸۱: ۳۰۱]. "فتیش واژه‌ی پرتهالی است که ادوارد تایلور آن را (در فرهنگ ابتدایی ۱۸۷۱) وارد انسان‌شناسی کرد و مراد از آن چیزی است که روحی در آن تجسم یافته و به آن وابسته باشد یا از طریق آن نفوذ جادویی خود را به چیزهای دیگر منتقل کند" [پاشایی، ۱۳۶۹: ۲۲۴].

در نظر اقوام و قبایل ابتدایی، طلسم و شیئی مرموز و یا موجوداتی جاندار و گاهی درخت، دارای روح درخور ستایش و پرستش هستند. این شیء، حیوان یا درخت علامت مشخصه‌ی قبیله و قوم بود و آنان را به امور فوق طبیعت مربوط می‌کرد. این موجودات در پندار مردمان از نیروی برتر و رازگونه برخوردار بودند که رفتار فردی و جمعی قوم و قبیله را متأثر می‌ساخت.

فتیش‌ها ظاهری خموش و بی‌جان دارند ولی از حقیقتی زنده، پرجنب و جوش و فعال برخوردار هستند. به‌طور کلی این اشیاء به صورت طبیعی و مصنوعی با تقسیمات جداگانه‌ای وجود دارند که در قسمت دیگری از مقاله به آن‌ها اشاره شده است.

"عقیده به فتیش استمداد از قوه‌ی مخفی و مستور در اشیاء بی‌جان است، به عبارت دیگر نسبت به اشیایی خاص قبایل بدوی احترام و تقدس قایل می‌شوند (... و معتقدند) از همان دقیقه (که این اشیاء) به دست آن‌ها می‌رسد (در آن نیرویی عظیم مخفی و جاری است (که برای یابنده و دوستانش مفید و برای دشمنانش مضر و زیان بخش است" [ناس، ۱۳۷۰: ۱۵]. فتیشیسم در لغت به معنای ستایش، پرستش و احترام گذاردن به فتیش است. روابط و ارتباط مستمر مرموز و غیرواقعی انسان با اشیاء طبیعی و ساختگی یا حیوان را فتیشیسم گویند. در فتیشیسم نوعی علاقه‌ی مرضی و انحصاری که از احساس باطنی و تخیل بر می‌خیزد وجود دارد و استعداد تلقین‌پذیری اعضاء جامعه را تقویت می‌کند.

فتیش و وجوه افتراق آن با موطن اصلی اش

از ویژگی‌های فرهنگ عامه، ارتباط و پیوندی است که این فرهنگ با نظام اجتماعی، محیطی و جغرافیایی جامعه دارد. به عنوان نمونه در جوامع روستایی و عشایری که نظام معیشتی آن‌ها مبتنی بر کشاورزی و دامداری است، افسانه‌ها، ترانه‌ها و عناصر فرهنگ عامیانه‌شان حکایت از این شیوه‌ی زندگی دارد و آثار زندگی کشاورزی و دامداری را به خوبی می‌توان در باورها و ادبیات شفاهی‌شان یافت. در دوره‌های پیشین نیز چنین بوده، چنان‌که در دوره‌ی گردآوری خوراک، غذای اصلی انسان گوشت جانوران است هر قومی به ناچار خود را وابسته به حیوانات می‌یابد، با حرمت به آن‌ها می‌نگرد و آن‌ها را زاییده‌ی قدرت‌های زندگی می‌شمارد.

موطن اصلی فتیش آفریقا است. در قیاس با حضور فتیش در ایران وجوه افتراقی مشاهده می‌شود: "در آفریقا از احساسات دارندگان فتیش درباره‌ی آن، چنین معلوم می‌شود که در آغاز با کمال سادگی، آن‌ها را دارای یک روح غیبی می‌دانند و مورد احترام و پرستش قرار می‌دهند. هدایایی به آن‌ها تقدیم می‌کنند. به امید حصول مرام و وصول نتیجه، در پیش فتیش با تضرع دعا می‌خوانند، لیکن اگر آن آرزو تحقق نیافت و دعا اجابت نشد، رفتار شخص نسبت به آن فتیش تغییر می‌کند. نخست با او از در تملق و چاپلوسی در می‌آید بعد او را ریشخند و استهزاء می‌کند. اگر باز هم نتیجه‌ی مطلوب به حصول نیبوست، معتقد می‌شود که روح مخفی از آن فتیش خارج شده است، دیگر به درد نمی‌خورد و باید آن را ترک کرده، فتیش دیگری طلب کند، یا روح فتیش قوی‌تر از ناحیه‌ی مجاور بر آن غلبه یافته است که در آن صورت باید فتیش را نزد ساحر یا کاهن ببرد تا آن را دوباره از قوه‌ی مخفی پر کند و قدرت جدیدی برای انجام حوائج به او بدهد" [همان: ۱۵].

اما در ایران، نخست، فتیش مورد پرستش قرار نمی‌گیرد، یعنی در میان ایلات، قبایل و عشایر ایرانی، مانند قبایل بدوی آفریقا نذر و نیاز و هدایا برده نمی‌شود و این اعتقاد بیش‌تر ضمنی و ناخودآگاه است. نه تنها خود فتیش بلکه روح و قدرت مخفی و جاری در آن نیز مورد پرستش نیست و بیش‌تر فایده‌ی عملی این اشیاء مد نظر است. دوم، همین باور و اعتقاد ضمنی و ناخودآگاه نیز عمومیت ندارد؛ یعنی ممکن است در میان عشایر و طوایف مختلف (حتی عوام‌ترین آن‌ها) چیزی کمتر از ۵۰٪ افراد به فتیش و قدرت آن ایمان داشته باشند.

ویژگی‌های مشترک فتیش‌ها در ایران

فتیش‌ها در ایران با تمام تفاوت‌هایی که در شکل ظاهری و کاربردشان دارند، در ویژگی‌های زیر با هم مشترک‌اند:

۱. این اشیاء (فتیش‌ها) را می‌توان به دو دسته کلی طبیعی و غیرطبیعی تقسیم کرد که هر کدام تقسیمات جداگانه‌ای دارند.
 ۲. این اشیاء در مکان‌ها و زمان‌های خاصی به دست می‌آیند. در واقع هر چه زمان و مکان پیدایش این اشیاء منحصر به‌فردتر و مرموزتر باشد، قدرت تأثیرگذاری و درجه‌ی رمز آن‌ها بیش‌تر است (البته مفهوم زمان در امور سحر و جادو مفهومی کیفی است و نه کمی).
 ۳. دارای خاصیت سود رسانی هستند. این اشیاء به دارنده خود سود می‌رسانند و به دشمنان دارنده خود زیان. البته درجه رمز و میزان این سود رسانی به اعتقاد و ایمان فرد به این اشیاء وابسته است.
 ۴. دارای نوعی شخصیت و صاحب اراده‌اند. عوام بر این باورند که این اشیاء زنده‌اند، می‌فهمند و صاحب اراده‌اند.
 ۵. دارای جنسیت نر و ماده هستند.
 ۶. بسیاری از فتیش‌ها منسوب به حضرت سلیمان (ع) هستند. عوام بر این باورند که بسیاری از مهره‌ها چون مهره خون‌بند، مهره رزق، مهره تیربند، مهره محبت و... سلیمانی هستند. نسبت این مهره‌ها به حضرت سلیمان (ع) به احتمال، ناشی از قصه‌ها و افسانه‌هایی است که درباره ایشان در بین عوام رایج شده است.
 ۷. فتیش‌ها برای اثربخشی نیاز به صیغه عقد دارند و یابنده این اشیاء، اگر بخواهد آن شیء برای او سودمند باشد و تنها به او سود رساند و برای دشمنانش مضر باشد، باید با مراجعه به ملا و دعانویس بومی آن‌را به نام خود عقد کند. اگر صیغه عقد یک فتیش یا مهره (خصوصاً مهره‌های سلیمانی) خوانده نشود، آن فتیش فایده عملی نخواهد داشت. چگونگی عقد یک شیء جادویی به نام دارنده خود به قرار زیر است:
- شخص دارنده فتیش (شیء جادویی) به دعانویس مراجعه کرده، شیء جادویی را به او ارائه می‌کند. دعانویس نیز ابتدا آن شیء را با آب و گلاب شسته و زیر سر پیرزنی قرار می‌دهد، شیء (مهره) به خواب پیرزن آمده و به او خواهد گفت که برای چه کاری مفید است. مثلاً خون‌بند است، شیرساز است و یا... پس از این که کاربرد و فایده عملی مهره مشخص شد صیغه عقد آن به نام دارنده جاری می‌شود. متن صیغه عقد چنین است:
- بسم الله الرحمن الرحيم/ يا ايها الارواح المقدسه طلقتم من بني آدم و حوا و صيغتمك الي (نام دارنده فتیش برده می‌شود مثلاً قاسم) ابن (نام مادر دارنده فتیش برده می‌شود مثلاً بدریه) تكونوا مفيداً بحق سليمان ابن داوود و ملكه بلقيس و رئيسكم باداد، انشاءالله، انشاءالله، انشاءالله.
- با نگاهی گذرا به متن صیغه عقد متوجه می‌شویم که در برخی موارد فرهنگ عامیانه، مایه و صیغه مذهبی آمیخته به الحادی ضمنی و ناخودآگاه دارد و عوام روح مرموز و مقدس جاری در اشیاء (مهره) را احترام می‌کنند نه جسم مادی آن را اصولاً در فرهنگ عامه، فایده عملی اشیاء ملاک ارزش، اعتبار و اهمیت است.
۸. برای اثربخشی دائم نیاز به اوارد دارند. فتیشی که از روح خالی می‌شود، دیگر ارزش چندانی ندارد و در این صورت برای اثربخشی مجدد و بازبایی قدرت از دست رفته‌اش نیاز به اوارد دارد. میزان قدرت و تأثیرگذاری دوباره این اشیاء بستگی به چگونگی و کیفیت سحر و اواردی دارد که دعانویس بومی بر آن بخواند یا به اصطلاح بدمد.
 ۹. این اشیاء از نظر حجم، اندازه و رنگ با اشیاء دیگر متفاوتند.
 ۱۰. این اشیاء دارای خاصیت ابطال‌پذیری‌اند.

مهم‌ترین ویژگی‌ها و عوامل گرایش به فتیش

۱. گاهی اعتقاد به این اشیاء میان عوام از آن‌جا ناشی می‌شود که آن را نماینده و رمز اموری حقیقی می‌دانند که اصل آن مخفی، ولی آن شیء مظهر یا نماینده آن امر مخفی است. یعنی خود سنگ به عنوان ذاتی مادی مورد توجه و احترام نبوده، دارای قدرتی قائم به ذات نیست؛ بلکه آن روح مرموزی که در آن جاری و ساری است و بدان جان می‌بخشد مورد توجه است.

۲. فتیش‌ها به صورت یک عامل مهم تلقینی در عواطف و ذهن عوام مؤثر افتاده‌اند و این تأثیر گاهی آن قدر قوی است که فرد باور می‌یابد که گره کار او جز به مدد نیروی مرموز این اشیاء گشوده نخواهد شد. ریشه‌ی روانی این‌گونه تلقینات در روستاها و عشایر به دوران کودکی باز می‌گردد. "زن عامی این افکار را به گوش بچه خوانده است و بعد از آن که بزرگ می‌شود هرگونه فکر و عقیده‌ای را می‌تواند بسنجد، قبول و یا رد کند مگر خرافات را چون از کودکی به او تلقین شده و هیچ موقع نتوانسته آن را امتحان نکند" [هدایت، ۱۳۸۳ : ۳۱].

۳. مسئله دیگر حضور دائمی سنگ در زندگی عشایری و روستایی است، "این حضور دائمی و گسترده از یک سو و سختی، شکل و رنگ سنگ از سوی دیگر واقعیت و قوه‌ای را برای این افراد منعکس می‌سازد که برتر از ناپایداری موقعیت بشری است. هیچ چیز از خرسنگ (درشت‌سنگ) باشکوه و سنگ خارا‌ی عظیمی که گستاخانه قد برافراشته، بی‌واسطه‌تر تمامی قدرتی را که در آن نهفته است، بی‌هیچ قید و بندی آشکار نمی‌کند و نیز چیزی از آن ارجمندتر و محتشم‌تر و هیبت‌انگیزتر نیست. وجود در سنگ، مقدم بر هر چیز دیگری است، سنگ در وهله اول چیزی است که همواره عین خود است و عین خود می‌ماند؛ پایدار و باقی است و مهم‌تر از همه این که زخم و ضربه می‌زند. اما انسان پیش از آن که سنگ را بردارد و به سوی چیزی و کسی بیندازد! لزوماً نه پیکرش، بلکه دست‌کم نگاهش با آن تلاقی و برخورد می‌کند و این چنین به زبری و قدرتش پی می‌برد. صخره، چیزی را برای او مکشوف می‌کند که برتر از ناپایداری و سرسختی و سکون و ابعاد و تناسب و خطوط کناره‌نمای غریبش، انسانی نیست و گواه بر حضوری شگفت‌انگیز، بیمناک، پرکشش و هراس‌انگیز است. انسان در بزرگی، سختی، شکل و رنگ سنگ واقعیت و قوه‌ای می‌بیند که به جهانی غیرقدسی که جهان اوست، تعلق دارد" [الیاده، ۱۳۷۲ : ۲۱۵] و به همین جهت به دیده‌ی احترام و اکرام به سنگ نگاه می‌کند.

۴. تصاویری که توسط ملاها ترسیم می‌گردد در واقع نمایندگان فکری طبقه‌ی ملا و دعانویس در بین عشایر و روستائیان است (نمونه‌هایی از آن‌ها در تصاویر این مقاله وجود دارد)، با ابداع چنین نگاره‌هایی سعی در پنهان نگاه‌داشتن خصلت واقعی روابط اجتماعی داشته‌اند. این تصاویر که آگاهی کاذبی از روابط اجتماعی ایجاد می‌کنند، تلاشی بوده است برای حفظ منزلت، موقعیت و منصب‌های پیشین ملاها و دعانویس‌های بومی، منصب‌هایی چون پزشکی طایفه، قضاوت در دعاوی و... .

۵. از دیگر زمینه‌های گسترش و شیوع اعتقاد به این اشیاء، حوادث و جریانات تاریخی را می‌توان نام برد که بی‌شک در گذر زمان، رنگ خرافه به خود گرفته‌اند.

انواع فتیش‌ها در ایران

فتیش‌ها در میان عوام از جنبه‌های مختلفی قابل تقسیم‌بندی‌اند :

۱. از لحاظ تعداد : الف. مهره‌های فرد، مانند: سوبلی، خرمهره، سبزمهره، شاخ مار و... . ب. مهره‌های زوج، مانند: مهره‌ی مار، محبت، رزق، تبر و... .

۲. از لحاظ جنسیت : الف. مهره‌های نر ب. مهره‌های ماده

۳. از لحاظ نوع و جنس مهره‌ها : این تقسیم‌بندی بهترین و کامل‌ترین روش برای ساخت انواع فتیش‌های موجود در ایران است. در این دسته‌بندی مهره‌ها به دو دسته کلی طبیعی و مصنوعی تقسیم می‌شوند. فتیش‌های طبیعی به سه دسته‌ی جمادی (شامل :

سنگ‌ها و مهره‌های مرموز، نباتی (شامل: ریشه و چوب درختان عجیب)، حیوانی (شامل: اعضاء و استخوان‌های حیوانات) و فتیش‌های مصنوعی به دو دسته انگشترهای جادویی، شیرسنگی، طلسم‌ها، اسطرلاب و سایر مصنوعات تقسیم می‌شوند.

خود این تقسیم بندی‌ها بدین صورت نیز قابل دسته‌بندی هستند: فتیش‌های جمادی که طبیعی محسوب می‌شوند به سه دسته عقیق‌یمانی، فسیل‌ها و مهره‌های سلیمانی تقسیم می‌شوند.

مهره‌های سلیمانی عبارت است از: مهره محبت، مهره کارساز، مهره روزی، کره‌دزد، خون‌بند، کفریز، چشم‌بند، مهره برد، زبان‌بند، مهره مار، تیربند، مهره شیرساز، مهره زهر، هب‌هاب، خرمهره، مهره تب‌بر، فیروزه، مهره خواب، مهره خستگی، مهره طاسه، مهره زردی (یرقان)، سبزمهره و... . فتیش‌های نباتی که از انواع طبیعی هستند عبارت است از: مهرگیاه، جوجادو، سویلی، تخم‌تفرقه، درخت‌سدر یا کُنار، درخت‌گَرز، درخت‌بلوط و... . فتیش‌های حیوانی نیز از انواع طبیعی هستند، عبارت است از: مو و چشم‌گرگ، پر و استخوان هدهد، آلت تناسلی گرگ و کفتار، سیل پلنگ، کله گوزن، اسکلت ماهی، زبان مرغ و... می‌توان نام برد. از فتیش‌های مصنوعی نیز: سوزن، چاقو، فلزجن، کمربند، قفل، طلسم و شیرسنگی از همه مهم‌ترند.

پس از بررسی انواع فتیش‌ها و دسته‌بندی آن‌ها، جهت آشنایی با این عناصر به معرفی تعدادی از آن‌ها به صورت خلاصه می‌پردازیم (لازم به ذکر است پرداختن به همه آن‌ها مستلزم نگارش مقالات دیگری می‌باشد و از توان این متن خارج است):

مهره مار

مهره مار طبیعی، جمادی و جزء مهره‌های سلیمانی به حساب می‌آید که به رنگ سفید و خاکستری دیده شده است و دارای جنسیت نر و ماده است. این مهره نیاز به صیغه‌ی عقد دارد و در زمان جفت‌گیری مارها می‌توان آن را یافت (تصویر ۱). صادق هدایت در کتاب ارزشمند نیرنگستان درباره چگونگی و زمان به دست آوردن این شیء می‌نویسد: "برای گرفتن مهره مار وقتی که مارها جفت می‌شوند کسی که داوطلب مهره است باید تنبان آبی پایش باشد. به محض دیدن مارها تنبان خود را کنده روی آن‌ها بیندازد و آن‌قدر بدود تا از روی هفت جوی آب بگذرد. سپس برگشته مهره‌ها را جست‌وجو بکند. برای امتحان آن، هرگاه کسی مهره اصلی همراهش باشد و درب دکان نانواپی برود نان‌ها از جدار تنور کنده شده می‌ریزد" [هدایت، ۱۳۸۳: ۵۰]. بسیاری از عوام ایران به مهره مار "مهره مهر" و "جاندارو" نیز می‌گویند.

از مهره مار (البته پس از آن که صیغه‌ی عقد آن به نام داوطلب خوانده شد) برای جلب محبت و دوستی دیگران استفاده می‌شود. این باور که این مهره‌ها می‌توانند مثر ثمر باشند، آن قدر عمومیت پیدا کرده که هر گاه کسی بیش از اندازه مورد توجه دیگران باشد می‌گویند "فلانی مهره‌ی مار دارد". اگر این جفت مهره را در آب سائیده و به کسی بخورانند، آن شخص یا به طرز ناگواری خواهد مرد یا اگر از مرگ نجات یابد، دیوانه خواهد شد.

جو جادو (Ju-jado)

این شیء از نوع نباتی، طبیعی، رنگ آن قهوه‌ای، جنسیتی خنثی، نیاز به صیغه عقد دارد و می‌توان آن را در دشت‌ها و دره‌ها یافت. کاربرد و خاصیت "جو جادو" شبیه به مهره مار است. به طور معمول زنان روستایی و عشایری که شوهران‌شان به جز آنان زنان دیگری نیز اختیار کرده‌اند، جوی جادو را همراه با مهره‌ی مار و شاخ مار در پارچه‌ای سبز پیچیده، به بازو می‌بندند و به این طریق درجه‌ی عشق و علاقه‌ی شوهران‌شان نسبت به آن‌ها بیش‌تر از زنان دیگر می‌شود. به اعتقاد بومیان، بودن این سه فتیش در کنار هم قدرت جادویی عجیبی را ایجاد می‌کند به گونه‌ای که دل سنگ‌ترین افراد نیز به وسیله این اشیاء رام می‌شود. (تصویر ۲)

مهرگیاه (Mehr-giyah)

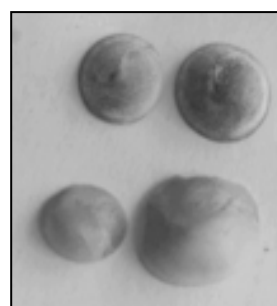
این مهره از نوع نباتی، طبیعی و به رنگ خاکستری سبز با سری قهوه‌ای است که جنسیت آن خنثی و به صیغه عقد نیاز ندارد و در کوه‌پایه‌ها یافت می‌شود. (تصویر ۳)



تصویر ۳. مهر گیاه



تصویر ۲. جو جادو



تصویر ۱. دو نمونه مهره مار (نر و ماده)

"مهر گیاه گیاهی است از تیره بادنجانیان که علفی است و غالباً آن را یکی از گونه‌های گیاه بلادون (بلادانه) محسوب می‌دارند. این گیاه دارای ریشه‌های ضخیم و گوشت‌دار و غالباً دو شاخه است و شکل ظاهری ریشه شباهت به هیکل آدمی دارد (تنه و دوپا). به همین جهت افسانه‌های مختلف در بین ملل در مورد این گیاه از قدیم رواج یافته است. ... میوه‌اش به بزرگی یک گیلان است میوه‌ی کال آن سبز رنگ است و پس از رسیدن قرمز و سیاه می‌شود... " (فرهنگ معین، ۱۳۶۴، ذیل واژه‌ی "مهر گیاه"). این گیاه در آسیای جنوب شرقی یافت می‌شود و آن را جین‌سینگ می‌نامند. "مهر گیاه، گیاهی است که مهر و محبت را افزون می‌سازد و هر کس با خود داشته باشد علاقه‌ی مردم به او بیش‌تر می‌شود. برخی آن را استرنگ، گیاه بلادانه و شاییزک می‌خوانند و گیاهی است که برگ‌های آن همیشه رو به آفتاب می‌روید.

خط چو دمید بر لب مهر دلم زیاده شد نام خطت از آن زمان مهر گیاه کرده‌ام (کمال خجندی) [عمید، ۱۳۷۵، ذیل واژه‌ی مهر گیاه] سبزه خط تو دیدیم و ز بستان بهشت به طلب کاری این مهر گیاه آمده‌ایم (حافظ)

هر کس که این فتیش را به همراه داشته باشد مورد توجه و محبت دیگران است و حرفش خریدار دارد. "بعضی گویند گیاهی است که با هر کس باشد محبوب القلوب خلق گردد" (دهخدا، ذیل واژه‌ی "مهر گیاه"). البته اگر مردی مورد کینه زنی قرار بگیرد، زن با خوراندن مقداری از مهر گیاه به وی باعث مرگش می‌شود: به این طریق که مقداری از آن را در آب جوشانده، در غذا یا شربت ریخته به وی می‌خوراند. پس از مدتی مرد به بیماری مرموز و لاعلاجی دچار می‌گردد که علائم آن با شکم دردهای بی‌علت بروز می‌نماید که نهایت آن مرگی تلخ خواهد بود.

چشم‌زخم

این مهره از نوع جمادی، طبیعی و سلیمانی بوده، کروی شکل و رنگ آن سیاه و خاکستری با خال‌های سفید و روشن است. جنسیت آن نر و ماده و نیاز به صیغه‌ی عقد دارد و بیش‌تر در کوه‌ها و خرابه‌های باستانی یافت می‌شود. (تصویر ۴)

این مهره برای جلوگیری از چشم‌زخم به کودکان و حیوانات و به اصطلاح رایج در میان عوام، شخص به وسیله آن "نظر بر" می‌شود. نظامی گنجوی درباره‌ی این مهره می‌سراید:

مهره‌ی ارزق آورید به دست وز پی چشم بد در ایشان بست

خرمهره

این مهره فرد است و از نوع جمادی، سلیمانی و طبیعی است. رنگ آن استخوانی متمایل به زرد و تقریباً ابعادی بزرگ دارد که برای کارایی نیازمند صیغه‌ی عقد است (تصویر ۵). نوع مصنوعی این مهره از جنس سفال با لعاب آبی رنگ ساخته می‌شود. خرمهره جنسیتش خنثی بوده، دو کاربرد دارد:

۱. برای جلوگیری از چشم‌زخم به گردن گاو یا گوسفند شیرده می‌اندازند:

گاو که خرمهره بدو در کشند چون که بیفتد همه خنجر کشند (نظامی)

۲. زنان برای مطیع کردن مردان‌شان از آن استفاده می‌کنند که در میان برخی اقوام استان خوزستان مرسوم است.

هَب‌هاب

این مهره از نوع جمادی، طبیعی و از مهره‌های سلیمانی به حساب می‌آید که به شکل مکعب، پوزه‌دار و به رنگ سیاه براق است. جنسیت آن خنثی و نیاز به صیغه عقد دارد و می‌توان آن را در کوه‌ها و کوه‌پایه‌ها یافت. این مهره در میان اعراب ساکن در ایران شهرت بسیاری دارد و استفاده از آن در بین مردان بیش از زنان است. البته افراد کمی به این مهره گرایش دارند و اکثر اعراب خوزستانی از به همراه داشتن این مهره ابا دارند، زیرا استفاده از آن را موجب خشم خداوند می‌دانند.

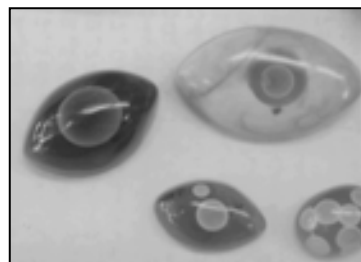
بومیان اعتقاد دارند که دارنده این مهره به راحتی می‌تواند محبت جنس مخالف را جلب کند و بیش‌تر موارد استفاده از این مهره در مراسم خواستگاری است که دارنده سعی می‌کند تا به وسیله آن رضایت دختر و خانواده دختر را برای ازدواج جلب نماید. تهیه تصویر از این مهره به علت عدم ارائه آن توسط دارندگان مهره، نمونه بدلی آن از جنس گل، با رنگی متفاوت از رنگ اصلی در این مقاله ارائه شده است. (تصویر ۶)



تصویر ۶. بدل مهره‌ی هب‌هاب از جنس گل



تصویر ۵. نمونه‌ای از خرمهره



تصویر ۴. نمونه‌هایی از مهره‌ی چشم‌زخم

زبان مرغ

زبان مرغ یک فتیش طبیعی، حیوانی به رنگ سفید است با جنسیتی خنثی که نیاز به صیغه عقد دارد. این شیء را دعانویس‌های بومی پس از آن که خشک کردند با گلاب شست‌وشو می‌دهند آن‌گاه بر آن وردهای مخصوصی می‌دمند. بعد از آن، زبان را به همراه دعایی که روی کاغذ یا پوست حیوانی دیگر نوشته شده، در پارچه‌ی سبزی پیچانده، به داوطلب می‌دهند. این فتیش به دارنده‌ی خود قدرت بیان زیادی می‌دهد و کلامش را بر دیگران تحمیل می‌کند؛ به گونه‌ای که ارباب رجوع برای تسریع در انجام امورات‌شان در ادارات دولتی و حتی دادگاه‌ها از آن استفاده می‌کنند و معتقدند که به وسیله و با کمک این شیء می‌توانند حرف خودشان را به کرسی بنشانند. (تصویر ۷)

مو و چشم‌گرگ

موی‌گرگ^۳ از جمله فتیش‌های حیوانی و طبیعی است که نیاز به صیغه عقد ندارد، اما به همراه دعا از آن استفاده می‌شود. بارها دیده شده که بعد از شکار یک گرگ، زن‌های روستایی با عجله به سمت لاشه آن رفته، موی آن را چیده، چشمش را از حلقه در می‌آورند. معمولاً برای جلوگیری از گندیده شدن این فتیش‌ها، آن‌ها را خشک کرده، نمک می‌زنند و پس از خشک شدن از آن استفاده می‌کنند (تصویر ۸). موی‌گرگ را مادر همراه دعایی در پارچه‌ای سبز پیچانده، به روی شانه کودک سنجاق می‌کند، و باور دارد که این کار نوزادش را از دست "آل"^۴ و اجنه^۵ و شر آن‌ها ایمن خواهد ساخت.

اقوام بختیاری همیشه توجهی توأم با احترام نسبت به قدرت جادویی گرگ‌ها داشته‌اند. این توجه و باور به قدرت جادویی گرگ‌ها آن قدر شدت دارد که شب هنگام، وقتی کودک‌شان به‌طور ناگهانی از خواب پریده، گریه می‌کند اولین واژه‌ای را که برای ساکت کردن کودک بر زبان می‌رانند "بسم الله، گرگ" است و براین باورند که اجنه با شنیدن نام گرگ می‌گریزند. چشم‌گرگ نیز به انسان هیبت و قدرت می‌دهد و باعث می‌شود تا دیگران از حرف انسان حساب ببرند. پای جلویی چپ گرگ را از در آغل آویزان می‌کنند تا احشام از نیروهای مرموز و خطرناک ناشناخته در امان باشند.

قفل

این فتیش از نوع مصنوعی با کارآیی و کاربردی منفی است و نیاز به صیغۀ عقد ندارد. بدین گونه که هرگاه کسی بخواهد بخت یک زوج جوان را ببندد و مایهٔ سیاه‌روزی و بدبختی آن‌ها در زندگی شود، قفلی قدیمی را برداشته و نزد دعانویس بومی می‌برد. دعانویس ابتدا قفل را شسته و غسل می‌دهد، آن‌گاه با وسایل مخصوص اسم هفت‌تن از ظالم‌ترین حکام و پادشاهان جهان (به طور مثال شداد، فرعون، نمرود، نرون، چنگیز، تیمور و...) را روی آن کنده‌کاری کرده، سپس وردهای مخصوصی را روی قفل زمزمه و آن را چفت می‌کند و همراه با دعای سیاه‌بختی زوجین در رودخانه یا چاه دوری می‌اندازد تا دیگر کسی نتواند آن را پیدا کند و به این طریق تا هنگامی که آن قفل توسط ملا یا دعانویس پیدا نشده و بازنگردد، بخت آن‌ها نیز باز نخواهد شد و به اصطلاح "کارشان خیر نمی‌گردد". قفل کردن بخت افراد در نظر مردم آن‌قدر زشت و ناپسند است که حتی گروهی از خود ملاحای بومی حاضر به انجام دادن این کار نیستند! (تصویر ۹)



تصویر ۹. فلز جن



تصویر ۸. پوست و موی گرگ



تصویر ۷. زبان و نوک مرغ

فلز جن

این فلز به صورت مصنوعی از جنس آهن، توسط کولی‌های دوره‌گرد ساخته شده که به گونه‌ها و شکل‌های متفاوت در میان مردم یافت می‌شود. بیش‌تر از ادوات تدافعی و به صورت دسته‌های سه، چهار و پنج‌تایی به شکل جمعی در حلقه‌ای فلزی آویزان‌اند که قدرت جادویی عجیبی خلق می‌کنند و در میان عوام به "فلز جن" مشهور است. (تصویر ۱۰)

در سنت‌ها، اساطیر و افسانه‌های هند و اروپایی به خاصیت ضد جادویی آهن بسیار اشارات صریح یا ضمنی شده است. اجنه طبق روایات قدما از آهن می‌ترسند.

اسطرلاب

"آلتی باشد که بیشتر از برج سازند و بدان ارتفاع آفتاب و ستارگان گیرند. گویند پسر ادريس پيغمبر آن را وضع کرده است و بعضی گویند ارسطاطاليس. معنی ترکیبی آن به یونانی ترازوی آفتاب است. چون "اسطر" به معنی ترازو و "لاب" آفتاب را گویند و بعضی گفته‌اند جام جهان‌نما عبارت از این است و نزد محققین، جام جهان‌نما عبارت از دل است" [تبریزی، ۱۳۴۲: ۷۷، ذیل واژه‌ی: اسطرلاب]. ابوریحان گوید: "آلتی است مرکب از چند صفحه که منجمین در اعمال نجومی از قبیل گرفتن طالع و ارتفاع کواکب و مهندسين در تعیین ارتفاع و عمق و عرض چیزها از آن استفاده می‌کرده‌اند" [فروزانفر، ۱۳۷۳: ج ۱، ۱۵، ۸۴]. (تصویر ۱۱)

علت عاشق زعلت‌ها جداست عشق اسطرلاب اسرار خداست (مثنوی مولانا/۱/۱۱۰)

شیر سنگی

شیرسنگی از نوع جمادی و مصنوعی است و برای کارآیی نیاز به صیغۀ عقد ندارد. شیرسنگی نماد و مظهر شجاعت است، وقتی بزرگی از رؤسای عشایر (مانند عشایر بختیاری) در نزاع و درگیری‌های قومی می‌میرد، بالای مزار او شیرسنگی قرار می‌دهند و به این وسیله از خدمات و رشادت‌های وی قدردانی می‌کنند. (تصویر ۱۲)



تصویر ۱۲. شیر سنگی، گورستان‌های بختیاری (روستای بارانگرد نزدیک ایذه)



تصویر ۱۱. اسطراب



تصویر ۱۰. قفل با نقش حیوان از جنس فلز

هنگامی که کودکی دچار دل‌خفگی یا ترس شدید از حیوانی یا شخصی می‌گردد، مادر یا پدر آن کودک او را سه یا هفت بار از زیر پای شیرسنگی عبور می‌دهند و به این وسیله باور دارند که اجنه و قوای جهنمی مرموزی که باعث بیماری کودک شده‌اند از او دور می‌گردند. شیرهای سنگی منحصر به ناحیه بختیاری نیستند و در اغلب نقاط ایران مخصوصاً در نواحی فارس دیده می‌شوند و برای نمونه در دشت ارژن نزدیک دریاچه پریشان تعداد زیادی از آنها هنوز بر جای مانده و دیده می‌شوند.

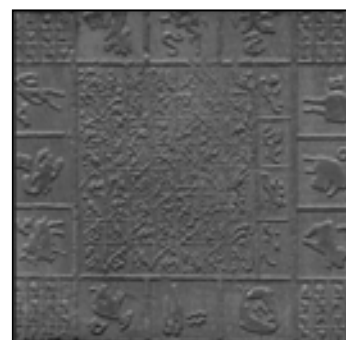
شیرهای سنگی را شاید بتوان یکی از زیباترین اثرهای به جای مانده از سنگ‌تراشی و مجسمه‌سازی برخی اقوام ایرانی دانست که سبک و سیاق ویژه‌ای دارد و متأسفانه در حال فراموشی است.

طلسم‌ها و ادعیه

طلسمات دانشی است که به واسطه‌ی آن، چگونگی درآمیختگی قوای فعال آسمانی با قوای منفعل زمینی شناخته می‌شود تا به سبب آن کارهای عجیب و غریبی در عالم هستی پدید آید. در فرهنگ معین آمده: "طلسم، نوشته‌ای شامل اشکال و ادعیه که توسط آن عملی خارق عادت انجام دهند" [معین، ۱۳۶۴، ذیل واژه‌ی طلسم]. (تصاویر ۱۳ و ۱۴)



تصویر ۱۴. طلسم، حکاکی روی فلز مس



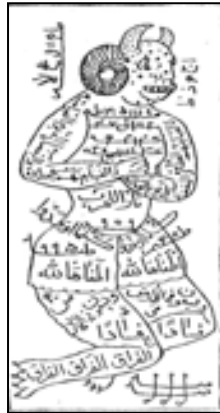
تصویر ۱۳. طلسم از جنس مس

در فرهنگ عامه، باور و اعتقاد به ادعیه و طلسم چنان تأثیرگذار بوده که افراد، بسیاری از موارد و موانع زندگی‌شان را بر پایه و حضور آن تعریف کرده‌اند و این عقاید در بسیاری از قلمروهای زندگی‌شان جلوه‌گر شده است. باری، اثرگذاری این عناصر و علوم در باور و فرهنگ عوام، در هنر عامیانه و هم چنین ذهن هنرمند معاصر برای رسیدن به زبانی نو تحت تأثیر این باورها تجلی یافته است. گاهی این رموز و عناصر جادویی در آثار هنرمندان، جهانی را که به چشم سر، ظاهر نیست، ولی در یاد و خاطره آرمیده است، احیاء و لقاء می‌کند. برای شناخت و مطالعه‌ی طلسمات و علوم غریبه (علمی که از عجایب و غرایب آثار بحث می‌کند، مانند: علم کیمیا، سیمیا، لیمیا، هیمیا و ریمیا)، کتاب‌ها و رساله‌های بسیاری نوشته شده که دعانویسان برای نوشتن دعا یا طلسم از آنها بهره می‌برند. هر چند در میان این کتب برخی از اعتبار بیش‌تری برخوردارند.^۷ برای آگاهی در این مورد به طور مختصر به ذکر چند مورد از

طلسم‌ها و ادعیه از کتاب طلسمات طمطم هندی می‌پردازیم. نمونه‌هایی از طلسم عبارتند از : طلسم تسخیر دل شوهر توسط زن (تصویر ۱۵)، طلسم سیاه کردن زن در نظر دیگران (تصویر ۱۶)، طلسم تخریب (ایجاد کدورت و جدایی میان دو نفر) (تصویر ۱۷)، طلسم ازدواج زن با مرد دلخواه (تصویر ۱۸)، طلسم سیاهی (سیاه کردن زن در نظر مرد) (تصویر ۱۹)، طلسم مطیع کردن مرد نزد زن (تصویر ۲۰)، طلسم برای مردان (تصویر ۲۱)، طلسم بخت‌گشایی (تصویر ۲۲)، طلسم محبت (تصویر ۲۳)، طلسم سیاه کردن زنان (تصویر ۲۴). نمونه‌هایی از ادعیه عبارت است از : دعای عفو و رحمت، دعای سلامتی، دعای شفاعت پیغمبر و در امان ماندن از بلاها (تصویر ۲۵).



تصویر ۱۷. طلسم تخریب



تصویر ۱۶. طلسم سیاه کردن زن در نظر دیگران



تصویر ۱۵. طلسم از جنس مس



تصویر ۲۰. طلسم مطیع کردن مرد نزد زن



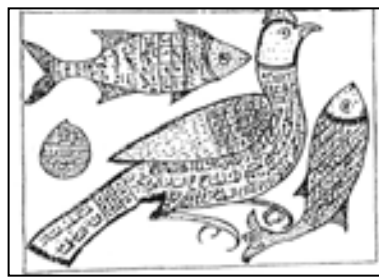
تصویر ۱۹. طلسم سیاهی



تصویر ۱۸. طلسم ازدواج زن با مرد دلخواه



تصویر ۲۳. طلسم محبت



تصویر ۲۲. طلسم بخت‌گشایی



تصویر ۲۱. طلسم برای مردان



تصویر ۲۵. طلسم سیاه کردن زنان



تصویر ۲۴. دعای شفاعت پیغمبر

باورهای عامه و تأثیر آن در نقاشی مکتب سقاخانه

باورها و اعتقادات در اجتماع عامیانه (فولکلور)، از بدو تولد تا مرگ در درون‌شان ریشه می‌دواند تا جایی که هنرمندان سنتی با ساخت شیرهای سنگی، دلاوری و بزرگی مرد ایل را با نصب این مجسمه سنگی زیبا در گورستان به یادگار می‌گذارند.

هنر عامه ورای افق نامحدود کیهانی را می‌نگرد و سرشار از رموز، استعارات و اشاراتی است که هر کدام ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم گذشتگان دارد. نگرش تجسمی در فرهنگ عامیانه گاهی واقع‌گریز، گاهی از طبیعت و در برخی مواقع سرشار از تمثیلات است که اعتقادات و باورهای بسیاری با آن آمیخته گشته و شکلی تازه به خود گرفته است.

هنر عوام با رمز سروکار دارد و برای ادراک رموز می‌بایست به درون رجعت کرد، زیرا خاستگاه رمز است و این امر در هنر خاص امروزیان (نقاشی، مجسمه‌سازی، گرافیک و...) اهمیت بسیار پیدا کرده، تا جایی که در تحلیل و تطبیق برخی شکل‌ها و تصاویر می‌توان ریشه‌های آن را در همین نقش و نگارهای رمزی عوام یافت.

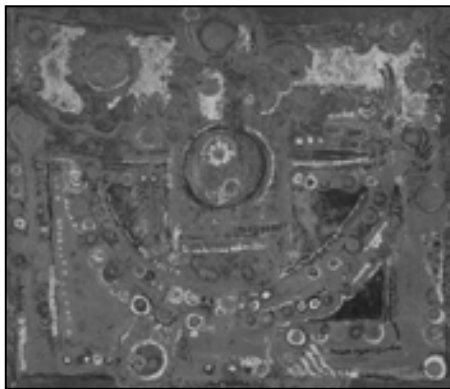
هنر عوام رابطه‌ای تنگاتنگ با رمزگرایی و ایجاد مجموعه‌ای از تصاویر و نقش‌ها دارد که نشان‌گر میراث وسیع، عمیق و گوناگونی از سمبل‌های بصری، سمعی و فکری است و تقریباً همه ایرانیان در آن سهیم‌اند و نقاشان و مجسمه‌سازان دهه‌های گذشته از این عناصر در آفرینش آثار خود سود جست‌ه‌اند. در واقع می‌توان گفت این زبان سحر به هنری مقدس پیوند خورده است. "جادووشی در هنر عبارت است از القاء و یا تجسم خواص مخفی و نامرئی اشیاء و جانوران و گیاهان و به طور کلی کائنات، به زبان رمزی یعنی به مدد پاره‌ای تمثیلات و یا بعضی علامات و نشانه‌های نمادین" [ستاری، ۱۳۷۶ : ۱۲۰].

سقاخانه‌ای‌ها از خط و عناصر رمزی که ابزار اصلی ملا (دعانویس) برای شکل‌دهی به طلسم بوده، بهره گرفته‌اند. آثار هنرمندانی همچون منصور قندریز، پرویز تناولی، حسین زنده‌رودی، مسعود عربشاهی، ناصر اویسی، صادق تبریزی و هم‌چنین ژازه طباطبایی که به تحقیق و جست‌وجو در نقش‌ها و موتیف‌های عامیانه پرداخته‌اند را می‌توان نمونه بارز استفاده از فیتیش چه از نظر شکل و چه از نظر رنگ دانست. نقش و نگاره‌های موجود روی علم‌ها، سقاخانه‌ها، قفل‌ها، سنجاق‌ها، اشیای قدیمی، باطل‌السرهما، تعویذها و طلسم‌ها، جادو، جنبل، اوراد و اذکار ماده‌ی اصلی کار نقاشان سقاخانه‌ای است. استفاده از نقوش، وسایل رمل و اسطرلاب، حروف ناخوانا و آلات و ابزار مربوط به آیین‌های "جن‌گیری" بیش‌تر از سایر نقوش با نقاشان سقاخانه‌ای عجین شده است.

این هنرمندان می‌خواستند بین هنر جدید جهان و هنر و فرهنگ ایران، پلی برقرار کنند. آن‌ها تعدادی از طرح اشیاء، نقش‌ها یا شکل‌های آشنا به مردم را به فضای نقاشی خود آوردند. در حقیقت می‌خواستند بین آثار و هنرهای گذشتگان ما و هنر جدید ارتباطی برقرار کنند و در این فکر بودند که نوعی نقاشی خلق کنند که هم ایرانی و وابسته به افکار و عقاید مردم ایران باشد و هم نشانگر

افکار و احساسات انسان عصر حاضر. هنرمندان سقاخانه با استفاده از فرهنگ عامیانه و جست‌وجو در سنت زمان خود و با تأثیر از فیتیش‌های موجود در این فرهنگ علاوه بر خلق آثاری بومی، توانستند این آداب و رسوم را به موزه‌ها و گالری‌ها بکشانند و به ثبت این باورها بپردازند. البته بسیاری از نمادها و نشانه‌ها که در آثار هنرمندان سقاخانه به کار رفته و برگرفته از نقوش و اشیاء آیینی و جادویی می‌باشند، هم‌چون شیرسنگی یا نقش شیر و خورشید، ماهی، مار، چلیپا و ... ریشه در آیین‌های کهن پیش از زرتشت دارند که به تدریج و در گذر زمان دست‌خوش تغییر و دگرگونی‌هایی شده‌اند و بعضاً به اشکال خرافی تاکنون باقی مانده‌اند.

اشاره به سنت و فرهنگ تاریخی ایران باستان در آثار مسعود عربشاهی به دور از علائم و نمادهای رمزی نبوده و آثاری که طلسم‌وار با استفاده از مس خلق کرده، گویای این واقعیت است (تصویر ۲۶). عربشاهی در برخی آثارش با توجه به ابعاد مفاهیم افلاکی، اجرام سماوی و فضایی در ایران باستان به ذهنش قدرت خلق ارزانی داشته است. در فرهنگ عامیانه، مفاهیم افلاکی و اجرام سماوی تأثیر به‌سزایی بر سرنوشت انسان دارند و منجر به خلق اعتقادات و باورهایی در میان مردم شده‌اند (تصویر ۲۷).



تصویر ۲۷. اثر عربشاهی، بدون عنوان، رنگ‌روغنی روی بوم، ۱۱۰×۵/۱۲۷ سانتی‌متر، ۱۳۴۴، مجموعه شخصی هنرمند



تصویر ۲۶. طلسم، اثر مسعود عربشاهی

سیمین دانشور در مقاله‌ای به مناسبت سومین بی‌ینال تهران، در خصوص حسین زنده‌رودی از نقاشان سقاخانه‌ای می‌نویسد: "متحیرم که آیا زنده‌رودی سبک فعلی خود را، که بی‌شبهت به بزرگ کردن (آگراندیسمان) گوشه‌ای از ادعیه و طلسمات قدیم نیست، و ضمناً بیش‌تر به درد پرده و چادر تعزیه می‌خورد، باز دنبال خواهد کرد و در صورت ادامه، کارش به یکنواختی نخواهد انجامید و بعد مردم ساده دل، برای دعانویسی به او رجوع نخواهند کرد؟ نباید گذاشت سوژه این چنین هنرمند را در طلسم خود به حصار کشد" [دانشور، ۱۳۴۱]. به قول خودش، با دیدن یک پیراهن دعانویسی شده در موزه‌ی ایران باستان، هنر گذشته‌ی ایران را کشف کرد (تصاویر ۲۸، ۲۹ و ۳۰).

در برخی آثار ژازه طباطبایی زندگی عامیانه روستایی با فرم‌های مذهبی و نشانه‌های آیینی از جمله طلسم‌ها به هم آمیخته می‌شوند. آثار ژازه گویی می‌خواهند طلسم را بشکنند و سحر را باطل کنند و موجودات شهر سنگی قصه‌ها را از "چیزواری" و "شی‌شدگی" برهانند. آثار وی سنت را زنده و نو می‌کند (تصویر ۳۱). در مجموعه‌ای از آثار ناصر اوپسی، فضای نقاشی‌هایش طلسم‌وار مملو از خطوط و حروف می‌شود که تصویری از ادعیه و طلسم‌ها را در نظر مخاطب مجسم می‌کند. پرویز تناولی با استفاده از موضوعات تاریخی، حماسی و عاطفی ادبیات ایران تلاش بر خلق سه‌بعدی شعر با تأثیر از تمام اشیای فرهنگ عامیانه کرد. در آثارش استفاده از درهای مشبک سقاخانه‌ها و صفحات سوراخ طلسم‌ها، قفل‌های قدیمی‌شکل بزرگ و کوچک و شیرسنگی می‌توان دید (تصاویر ۳۲، ۳۳).



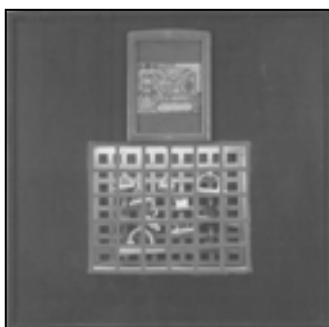
تصویر ۳۰. بدون عنوان



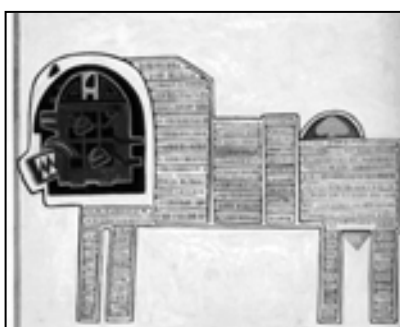
تصویر ۲۹. شیر و خورشید.
سریگرافی ۶۶×۴۶ سانتی‌متر،



تصویر ۲۸. قفل، مرکب و تمپرا روی کاغذ



تصویر ۳۳. قفل، مرکب و تمپرا روی کاغذ



تصویر ۳۲. قفل، مرکب و تمپرا روی کاغذ



تصویر ۳۱. قفل، مرکب و تمپرا روی کاغذ

نتیجه

از آن‌چه در این مقاله ذکر شد می‌توان به این نتایج دست یافت :

۱. هر آن‌چه در زمره‌ی آیین‌ها، آداب و رسوم و سنت‌های یک فرهنگ است، تلفیق مجاز و واقعیت است. هر واقعیت و حقیقتی در گذر زمان دست‌خوش پیرایه‌ها می‌شود و در مراحل بعد قابلیت تبدیل شدن به یک خرافه‌ی محض را دارد. خرافات با این روند، شکل گرفته و تغییر و تحول می‌یابند و در جامعه برای خود جای می‌گیرند.
۲. طلسم‌ها، ادعیه و عناصر جادویی با قدرت خارق‌العاده‌شان که در دوره‌های مختلف وجود داشته‌اند، به کمک تخیل انسانی منجر به پیدایش باور در فرهنگ عامه‌ی سرزمین‌مان شده‌اند و در این گفتار تلاش گردید تا این باورها به عنوان فرهنگی ناب و دست‌نخورده ثبت و ضبط شوند.
۳. بررسی فرهنگ بومی و عامیانه‌ی ایران با تأکید بر خصوصیت شیء‌باوری که به عنوان شیئی کاربردی و ثمربخش مورد توجه بوده و در امورات خود از آن‌ها بهره می‌برند. این اشیاء، طلسم‌ها و ادعیه تحت عنوان فتیش (بت‌واره) شناخته و معرفی شده‌اند.

۴. در این گفتار کوشیده شده تا بدین نتیجه که هنر از راه‌های مؤثر، کار آمد و نافذ در شکل‌گیری، تحول و اشاعه آداب و رسوم و باورهاست، دست یابیم. هنرمندان سقاخانه با استفاده از فرهنگ و سنت زمان خود و اسرار عالم و علوم غریبه به خلق آثاری پر رمز و راز دست زدند. اینان، با آثارشان در شکل‌گیری آداب و رسوم، باورها و ثبت آن‌ها نقش مهمی ایفا نمودند.

پی نوشت ها

۱. سرادوار برنت تایلور (۱۹۱۷-۱۸۳۲) از پایه‌گذاران نظریه یا مکتب تطویرگرایی (تکامل‌گرایی) است.
۲. کلمه‌ای است مرکب از دو جزء: یکی Folk و دیگری lore و معنی آن دانش عوام است. در زبان فارسی فولکلور را "فرهنگ عامه" و "فرهنگ عوام" و "دانش عوام" ترجمه کرده‌اند. مرحوم هدایت آن را "فرهنگ توده" خواند. (دکتر محمدجعفر محجوب، ادبیات عامه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)، جلد اول ص ۳۵)
۳. در گویش لرهای بختیاری استان چهارمحال بختیاری به میلِ گرگ معروف است.
۴. آل‌ها موجوداتی غیرمرئی و مرموز هستند که ویژگی‌های زیستی انسان را دارند، دشمن انسانند و علاقه‌ی شدیدی به خوردن جگر زن زائو دارند.
۵. "اجنه در فرهنگ عامه به شکل موجوداتی سیاه و زمخت، با دماغی کوتاه و چشمانی زردرنگ و با موهایی مجعد و زبر مجسم شده‌اند و اکثر مردم آن‌ها را سُم‌دار می‌دانند" باجلان فرخی خرم‌آبادی، باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام (تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۵۸)، ص ۱۲۱
۶. این فتنش اغلب از اشیائی مانند: چاقو، ساتور، تبر تشکیل شده‌اند و از مجموع این اشیاء برای ترساندن جنیان استفاده می‌شود.
۷. یکی از کتاب‌های معتبر در این فنون خفیه، کتاب "طلسمات حکیم طمطم هندی، تسخیر روحانیات و عزایم (جمع عزیمه، در اصطلاح افسون‌ها و ادعیه‌ای که برای احضار جنیان و پریان می‌خوانند [لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، ۱۸۷۷۸] جنیان و نوامیس افلاطون و بلیناس دوالیس اسکندرانی" و کتاب دیگر اسرار قاسمی است.

منابع تصاویر : (۱-۱۴) عکاسی توسط نگارندگان مقاله و تصاویر (۲۵-۱۵) از کتاب طلسمات طمطم هندی اخذ شده است و تصاویر (۳۳-۲۶) از کتاب‌های مجموعه آثار تناولی - زنده‌رودی و تباتیایی انتشارات موزه هنرهای معاصر اخذ شده است.

فهرست منابع

- افلاکی، علی. ۱۳۸۲. "مکتب سقاخانه و تأثیر آن در نقاشی معاصر ایران". هنر و مردم. دو ماهنامه‌ی پژوهشی. سال اول. خرداد-تیر.
- الیاده، میرچا. ۱۳۷۲. رساله در تاریخ ادیان. ت: جلال ستاری. چاپ اول. نشر سروش. تهران.
- براس، الیوراستالی و بلوک، آلن. ۱۳۶۹. فرهنگ اندیشه نو، ویراستار فارسی: ع. پاشایی. ت: احمد بیرشک و دیگران. چاپ اول. انتشارات مازیار. تهران.
- بیهقی، حسین علی. ۱۳۶۵. پژوهش و بررسی فرهنگ عامه در ایران. انتشارات آستان قدس رضوی.
- تبریزی، محمدبن خلف. ۱۳۴۲. برهان قاطع. به اهتمام: دکتر محمد معین. چاپ دوم. نشر ابن سینا، تهران.
- دانشور، سیمین. ۱۳۴۱. کتاب ماه (کیهان ماه). شماره یکم. تهران.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۷. لغت نامه. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ دوم، تهران.
- دوبوکور، مونیک. ۱۳۷۳. رمزهای زنده جان. ت: جلال ستاری. نشر مرکز. تهران.
- ستاری، جلال. ۱۳۷۶. رمزاندیشی و هنر قدسی. چاپ اول. نشر مرکز. تهران.
- عمید، حسن. ۱۳۷۵. فرهنگ فارسی. چاپ پنجم. نشر امیرکبیر. تهران.
- فرخی خرم آبادی، باجلان. ۱۳۵۸. باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام. وزارت و فرهنگ و آموزش عالی. تهران.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان. ۱۳۷۳. شرح مثنوی شریف. جلد اول. انتشارات زوآر. تهران.
- محجوب، دکتر محمدجعفر. ۱۳۸۲. ادبیات عامه ایران (مجموعه مقالات درباره‌ی افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)، به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری. دو جلدی. چاپ اول. نشر چشمه. تهران.
- معین، محمد. ۱۳۶۴. فرهنگ فارسی. جلد چهارم. چاپ هفتم. انتشارات امیرکبیر. تهران.
- ناس، جان بایر. ۱۳۷۰. تاریخ جامع ادیان. ت: علی اصغر حکمت. چاپ چهارم. نشر آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- نوذریور، علی و موسوی نژاد، ابراهیم. ۱۳۸۲. مقدمه‌ای بر فرهنگ عشایر ایران. انتشارات آرزان. تهران.
- هدایت، صادق. ۱۳۳۴. نیرنگستان. چاپ دوم. انتشارات امیرکبیر. تهران.
- هدایت، صادق. ۲۵۳۶. نیرنگستان. نشر جاویدان. تهران.
- هدایت، صادق. ۱۳۸۳. فرهنگ عامیانه مردم ایران (نیرنگستان، اوسانه، ترانه‌ها و...). گردآورنده جهانگیر هدایت. چاپ پنجم. نشر چشمه. تهران.